

گفت و گو

طی ۴ ماه انجام شد؛

ضبط بیش از ۴۰ تن فراورده گوشتی غیر قابل مصرف

۴۴ هزار و ۷۸۷ کیلو گرم فراورده خام گوشتی غیر قابل مصرف توسط اداره نظارت بر بهداشت مواد غذایی اداره کل دام پزشکی استان خراسان شمالی از ابتدای سال ۹۷ تا پایان تیر ماه، کشف و معدوم شد.مدیر کل دام پزشکی خراسان شمالی با بیان این خبر افزود: اداره نظارت بر بهداشت عمومی این اداره کل با بازدید از مراکز عرضه و همچنین نظارت های روزانه بر کشتار دام و طیور استان، این میزان فراورده خام دامی غیر قابل مصرف را کشف و ضبط کرد.دکتر سید «محمد مهدی احمدی» افزود: همکاران نظارتی این اداره کل در قالب ۱۲ اکیپ بیش از ۱۸ هزار بازدید از مراکز عرضه فراورده های خام دامی، رستوران ها، هتل ها و... در ۴ ماه اول امسال داشتند و از این تعداد بازدید، ۴۹۴ مورد تخلف بهداشتی کشف شد که ۵۶ مورد آن به مراجع قضایی ارجاع داده شده است.وی خاطر نشان کرد: آزمایشگاه مرکزی این اداره کل در راستای تشخیص دقیق سلامت یا غیر قابل مصرف بودن نمونه های ارسالی از سوی اداره نظارت بر بهداشت عمومی دام پزشکی استان، ۷۶۵ مورد آزمایش میکروبی انجام داده است.

رایزنی های یک مسئول درباره جاده مرگ

معاون عمرانی استانداری خراسان شمالی درباره محور بجنورد-گلستان موسوم به جاده مرگ با مدیر عامل شرکت ساخت و توسعه راه های کشور دیدار و برای تخصیص اعتبار مورد نیاز این جاده با این مقام مسئول رایزنی کرد.مدیر کل دفتر فنی استانداری خراسان شمالی با بیان این مطلب افزود: «رچب زاده» معاون عمرانی استانداری خراسان شمالی در این دیدار خواستار حضور معاون وزیر و مدیر عامل شرکت ساخت و توسعه راه های کشور در استان شد . «عنبری» اظهار امیدواری کرد: طی دو هفته آینده این مسئول در وزارت راه و شهرسازی به استان سفر کند و این سفر رهاورد خوبی برای پیشرفت پروژه چهار بانده سازی این محور داشته باشد. وی همچنین خاطرنشان کرد: ۶۵ کیلومتر از باند دوم این محور تقریباً آماده است و تنها بخشی از گاردهای محافظ آن باقی مانده است که اگر نصب شود به زودی این قطعه بهره برداری می شود در غیر این صورت تمام تلاش مان را خواهیم کرد که در هفته دولت به بهره برداری برسد.

ماجرای مردی که همسرش با نقشه نابودی اش با او ازدواج کرد

کینه شتری

صدیقی

من از نقشه شوم همسرم خبر نداشتم و زمانی که خسته از سر کار به خانه برمی گشتم او بسته تریاک را روی طاقچه در مقابلم می گذاشت و از من می خواست برای رفع خستگی از آن استفاده کنم. تقریباً کار هر روز زخم همین بود و در نقش شیطان نمایان می شد و با لحنی به ظاهر دل سوزانه از من می خواست آن را مصرف کنم تا از غم و غصه فارغ شوم.

مرد خسته از دست اندازه های مختلف زمانه که چوب ندانم کاری و البته قریب همسرش را خورده است می گوید: همه چیز از کینه شتری خانواده همسرم شروع شد و ادامه این ماجرا زندگی ام را به پرتگاه کشاند.

ماجرای از این قرار بود که برادرم قبل از ازدواج با عمه همسرم ازدواج کرد اما به دلایلی بعد از مدتی به زندگی مشترک شان پایان دادند و از هم جدا شدند و همین موضوع مانند خنجرى بر سینه خانواده همسرم فرود آمده بود و آن ها منتظر فرصتی بودند تا تلافی کنند و از بد روزگار قرعه به نام من افتاد. مرد بی خبر از همه جا که صد دل عاشق همسرش شده بود به خواستگاری او (برادرزاده همسر سابق برادرش) می رود و خیلی زود جواب و زندگی مشترک شان شکل می گیرد.

او می گوید: بعد از ازدواج خیلی تلاش کردم که یک زندگی ایده آل برای همسرم بسازم و همین کار را هم کردم. صبح تا پاسی از شب با موتور سه چرخى که داشتم بار حمل می کردم و از این بابت پول خوبی به دست می آوردم.

روزگار بر وفق مرادم بود و خانه و آن چه که نیاز یک خانواده بود برای همسر و سه فرزندم فراهم کردم. زمانی که مرد خانواده سخت در پی تامین مخارج زندگی بود زن در مقابل با تحریک خانواده اش در تدارک یک نقشه حساب شده برای ساقط کردن زندگی همسرش و صد البته خودش بود و با تیشه آرام آرام به ریشه زندگی شان می زد.

مرد قریب خورده که هر از گاهی آهی از ته دل می کشد تعریف می کند: زمانی که خسته از سر کار به خانه برمی گشتم همسرم بسته تریاک را روی طاقچه مقابلم می گذاشت و از من می خواست برای رفع خستگی از آن استفاده کنم.

تقریباً کار هر روز زخم همین بود و در نقش شیطان نمایان می شد و با لحنی به ظاهر دل سوزانه از من می خواست آن را مصرف کنم تا از غم و غصه فارغ شوم. مرد خوش خیال که فکر می کرد همسرش از سر عشق و علاقه زیاد چنین بساطی را هر روز برایش فراهم می کند مو به مو دستورات شریک زندگی اش را انجام می داد تا این که بالاخره در دام اعتیاد گرفتار می شود و کم کم پاژل رویای همسر و خانواده اش را تکمیل می کند. او می گوید: وقتی



روزی حین مصرف مواد که از خود بی خود شده بودم همسرم شروع به تعریف و تمجید من از زبان زن های همسایه کرد و یک کاغذ جلوی من گذاشت و درخواست کرد خانه را به نامش کنم

در دام اعتیاد اسیر شدم رفته رفته هیبت ام را از دست دادم و در سراسیمگی افتادم. همسرم بعد از اعتیاد سوار بر اسب زین کرده کینه اش شد و مدام با چرب زبانی از من تعریف می کرد و از صحبت های زن های همسایه که از من تعریف می کردند می گفت. نقشه های همسرم حساب شده بود و هر بار که مواد مصرف می کردم خواسته هایش را از من طلب می کرد، اول حسایم را خالی کرد و روزی اصل ماجرا را وسط کشید. روزی

حین مصرف مواد که از خود بی خود شده بودم همسرم شروع به تعریف و تمجید من از زبان زن های همسایه کرد و یک کاغذ جلوی من گذاشت و درخواست کرد خانه را به نامش کنم. وقتی از همسرم پرسیدم که چه باید در کاغذ بنویسم با لحنی مهربان به من گفت خانه را به اسم او قولنامه کنم تا سری در سرها بین فامیل و همسایه ها در بیاورد.

مرد لاغر اندام که تریاک شیره جانش را کشیده بود بدون مقاومت دست به قلم می برد و دارایی اش را به نام همسرش می زد اما نمی داند با این کارش در واقع مهر پایان بر زندگی مشترکش می زند. مرد قریب خورده ادامه می دهد: بعد از قولنامه کردن خانه به نام همسرم او روی دیگرش را نشان داد. همسرم بلافاصله بعد از این ماجرا به دادگاه رفت و از من شکایت کرد که خانه اش را می خواهد، من هم که به خاطر اعتیاد ذلیل و بی رمی شده بودم کلیلد خانه را تقدیم او کردم و آواره کوچه و خیابان شدم. تنها دارایی ام یک موتور سه چرخ بود که برایم از این دنیای بی رحم باقی مانده بود. به ناچار روزها با آن بار کشتی می کردم و شب ها پشت همان می خوابیدم. در واقع خانه به دوش شده بودم و هر کنج، پستو و گوشه تاریک شهر برایم حکم خانه را داشت و شب در آن جا پناه می گرفتم.

بعد از آوارگی، خانواده و فامیل مانند همسرم پشت به من کردند و من را از خودشان راندند. مرد از همه جا رانده شده نزدیک به دو سال در سرما و گرما پشت موتور سه چرخش روزگار را سر می کند و به نوعی تاوان ندانم کاری گذشته و البته کینه خانواده همسرش را پس می دهد.

البته همسرش که خانه را از چنگ وی در آورده بود آن را می فروشد و بعد از مدتی پول باد آورده به او وفا نمی کند و او مثل شوهرش با سه بچه قد و نیم قد آواره کوچه ها و خرابه های می شود و در آن ها پناه می گیرد تا به نوعی چوب حيله گری اش را خورده باشد.

مرد تنها و بی یاور درباره گذشته خود می گوید: این قصه غم انگیز و بی خانمانی من مدت زیادی طول کشید تا این که پیغامی از سوی همسرم به واسطه برادرم به من رسید. او به برادرم گفته بود منتظر روزی است که من را داخل جوی آب ببیند و برای زندگی رقت انگیز من فریاد شادی سر دهد. همین حرف چنان من را تکان داد که گویی زلزله ای رخ داد.

برای همین تصمیم گرفتم به کمپ ترک اعتیاد بپیام تا از شر مواد افیونی خلاص شوم. الان پاک شده ام اما بی جا و مکان هستم و به ناچار همچنان در کمپ باید سر کنم تا شاید نور امیدی در دل کسی بتابد و با کمک او بتوانم دوباره یک موتور سه چرخ برای خودم فراهم کنم و دستم جلوی کسی دراز نباشد.

حادثه در شهر

کلاهی که جاعلان سر یک نمایندگی خودرو گذاشتند

صدیقی- چند شباد که از طریق وکالت محضری به کلاهبرداری از یک نمایندگی فروش خودرو اقدام کرده بودند با شکایت یکی از مال بختگان دست شان رو شد و در دام قانون افتادند.

سه نفر با همکاری یک محضردار متخلف، سند تریلی یک نفر را از طریق وکالت محضری به نام خودشان کرده و از این طریق توانسته بودند پول زیادی را بابت گران فروشی از یک شرکت فروش خودرو و همچنین فروش سوخت یارانه ای آن به جیب بزنند. مال باخته مدعی شد بعد از پیگیری ماجرا در تعزیرات حکومتی متوجه کلاهبرداری شده است.

وی در این باره گفت: چند سال پیش از یک نمایندگی تریلی خریدم و بعد از مدتی متوجه شدم شرکت خودرو را چند میلیون تومان گران تر به من فروخته است.

بعد از این اتفاق از نمایندگی بابت گران فروشی به تعزیرات شکایت کردم و آن ها به خاطر این ماجرا محکوم شدند.

روزی دوباره برای احقاق حقم به تعزیرات رفتم و در آن جا متوجه شدم خودروی تریلی من به صورت وکالت محضری در اختیار فرد دیگری قرار گرفته است. وقتی به سراغ محضر مورد نظر رفتم و علت را از مسئول آن جا جویا شدم به من گفت اشتباهی در این باره پیش آمده است و او حاضر است چند میلیون تومان بابت خسارت به من پرداخت کند. وقتی دیدم ماجرا کلاهبرداری است از او و همچنین خریدار صوری شکایت کردم که خیلی زود زوایای پنهان ماجرا روشن شد.

بعد از شکایتم، امضاهای موجود مورد کارشناسی قرار گرفت و جعلی بودن شان اثبات شد. بعد از دستگیری متخلفان متوجه شدم که تریلی من به صورت محضری با همکاری دو شاهد قلابی به نام یک نفر دیگر زده شده و او با همکاری همدستانش با این وکالت نامه به نمایندگی مورد نظر مراجعه کرده بود.

کلاهبرداران علاوه بر مبلغ اضافه پرداختی من، دبر کرد چندین ساله آن را هم از شرکت گرفته بودند. تازه غیر از این ماجرا با خبر شدم که کارت سوختم ایراد پیدا نکرده بود بلکه آن را از طریق وکالت محضری سوزانده و به اسم خودشان کارت جدید گرفته بودند.

آن ها از این طریق هزاران لیتر سوخت یارانه ای متعلق به تریلی من را در این چند سال در بازار آزاد فروخته و پولش را به جیب زده بودند. وی خاطر نشان کرد: در این ماجرا ۴ نفر دستگیر شدند تا در برابر قانون پاسخ گوی اعمال شان باشند و میبای کلاهبرداری از شرکت و خسارت هایی را که به من زده اند، بازگردانند.

پوشاک ملورین

هر ۵۰۰۰ تومان خرید یک کارت قرعه کشی

زنانه بچه گانه مردانه

۳۱۳۱ @Melorin_newclub

بجنورد، خیابان قیام جنوبی، شهرک ناوک، مرکز خرید، تفریحات و سرگرمی ملورین

قابل توجه

ارائه دهندگان خدمات مجالس ترحیم و بزرگداشت

- * تالارها
- * مراکز طبخ غذا
- * پارچه نویسان
- * حکاکان
- * فیلمبرداران و عکاسان
- * ظروف کرایه، ظروف یک بار مصرف

برای درج آگهی در صفحات روزنامه با تخفیف ویژه

با شماره های زیر تماس بگیرید:

۳۲۲۴۵۰۰۵ – ۳۲۲۱۲۷۶۰